

مردم مشهد و زائران تا پاسی از شب گذشته به شادی و سرور در خیابان امام رضا(ع) پرداختند

ولادت پرشور در شهر



بیرون می‌رود. برای خادم حضرت، لباس مخصوص و فاصله تا ضریح فرقی ندارد، او هم خادم است. خدمت به آن حضرت توان و لیاقت می‌خواهد. همین که نیت کنیم، خادمش می‌شویم. من هم در خیابان خادمش هستم. بیست سالی می‌شود که آمده مشهد و همسایه آقا شده است. آن هم در شغل پاکبانی: نظافت کردن برای زوار آقا که ناراحتی ندارد.

● به یاد پیاده‌روی اربعین «با خودم قرار گذاشته بودم نهایتاً چندتا غرفه ببینم و بروم حرم و در این میان تعدادی هم عابر و رهگذر ببینم، اما دیدن سیل جمعیت و این همه برنامه‌های فرهنگی و جذاب باعث شده است نه تنها از این پیاده‌روی طولانی احساس خستگی نکنم، بلکه چندین بار مسیر را بروم و برگردم، فقط برای تماشای این همه زیبایی و شادی.» این جمله حمزه‌علی احمدی است، طلبه‌ای جوان که او هم شب میلاد، خودش را به جشن آقا رسانده است.

احمدی درباره حس و حالش ادامه می‌دهد: یاد پیاده‌روی اربعین برایم زنده شد، فقط این بار به جای حرم اربابم حسین(ع) به سمت حرم علی‌بن موسی‌الرضا(ع) می‌روم و از همه طرف صدای شادی برپاست. این منظره‌ها باید ثبت شود. مردم واقعاً خالق حسی به یادماندنی شده‌اند. حس و حال در کلمات نمی‌گنجد، نمی‌دانم چطور باید به زبان بیاورم، فقط کاش همه بتوانند این لحظات را از نزدیک ببینند.

● پذیرایی با قهوه یمنی بچه‌های کشور یمن برای اولین بار در مشهد غرفه‌ای برپا کرده‌اند و از زائران و مجاوران با قهوه یمنی و شربت محلی‌شان پذیرایی می‌کنند.

● بازار داغ عکاسی یکی از لحظات دیدنی در حاشیه جشن، مشاهده افرادی است که گوشه‌به‌گوشه موبک‌ها و غرفه‌ها عکس یادگاری یا سلفی با حرم می‌گیرند.

● شور مساجد و هیئت‌ها بسیاری از مساجد و تشکلات مذهبی از شهرستان‌ها و کشورهای دیگر، هم میزبان میلاد امام رضا(ع) هستند، هم مهمانش.

● غرفه‌داری با لباس سربازی هنوز هم سربازی را دوران آش‌خوری می‌دانند، اما غرفه سربازان ارتش محل پذیرایی از همه عابران است، با شربت خنک.

● هم‌نوا با گروه سرود اجرای گروه سرود با حضور نونهالان و نوجوانان از بخش‌های جذاب پیاده‌روی شب ولادت حضرت رضا(ع) بوده که با استقبال مردم روبه‌رو شد.

● کیک تولد «۱۱متری به عشق حضرت رضا(ع)» جمعی از قنادان شهرمانی بانی پخت کیک تولد ۱۱۰ متری شده بودند که ساعت هشت و هشت دقیقه با حضور و شادی مردم برش خورد و کام زائران و مجاوران امام مهربانی‌ها شیرین شد.

گروه جامعه‌دعوت شده‌اند، بدون کارت دعوت و کسی که خبرشان کند. خبر شده‌اند از پیش، انتظار این روز را کشیده‌اند. از دور و نزدیک آمده‌اند که برسند به مسیری که انتهایش گنبد است و ضریح. برای شادی آمده‌اند، شادی ولادت آقای این خانه، همسایه بزرگوار و سرور کریمشان. دل‌هایشان را هم با خود آورده‌اند، چه با غم و چه با شادی. دیدن امام خوبی‌ها که حس و حال مشخص نمی‌خواهد، دل که پر بکشد و با هر نیت و خیالی در سر، زیارتش قبول است، به‌ویژه اینکه شب ولادت باشد.

امسال مشهدی‌ها برای اولین بار در شب ولادت امام هشتم(ع) بزرگ‌ترین جشن خیابانی تاریخ شهر را با نام آقا و در کنار زائران و ارادتمندانش برگزار کردند. آغاز مراسم از ساعت ۱۶ دیروز تعیین شده بود، اما حتی قبل از آن هم خانواده‌های بسیاری در خیابان امام رضا(ع) جمع شده بودند. قرار بود حظ ببرند از مسیر خیابانی که به‌سوی حرم می‌رفت و در این مسیر، از برنامه‌های تفریحی و فرهنگی هم استفاده کنند. جشن بزرگ خانوادگی میلاد امام رضا(ع) تا پاسی از شب گذشته با شور و شادی بی‌حدی ادامه داشت و روایت پیش‌رو چند جمله کوتاه از حس و حال حاضران در جشن است که برای لذت‌بردن از فضا وقت کم آورده‌اند.

● مرخصی از سربازی برای زیارت لایه‌لای جمعیتی که هر لحظه به تعداد آن افزوده می‌شود، جوانی در حال عبور و حرکت به‌سوی حرم آقا است. چهره و موی تراشیده‌اش می‌گوید نیازی به پرسیدن شغلش نیست، اما خودش را این گونه معرفی می‌کند: یوسف مرادی هستم، بیست و یک ساله‌ام و شانزده ماه است به‌عنوان سرباز در مشهد خدمت می‌کنم.

اهل شهرستان قائن است و این مدت را در تیپ ۳۷۷ ارتش خدمت کرده است. برای حضورش از قبل برنامه داشته است: امروز هم شیفت داشتم، اما پنج ساعت مرخصی گرفتم که بیایم حرم خدمت آقا. زیارت‌کم تمام بشود، برمی‌گردم یادگان. مسیر خیابان امام رضا(ع) را مانند همه شیفتگان حضرت پیاده می‌رود و نیت‌های جامانده در دلش را به آقا می‌گوید، چه فرصتی از این بهتر: به عشق آقا آمدم، حاجت‌هایم را یکی یکی یاد می‌کنم، اولینش تمام شدن خدمت و برگشتن به خانه است.

● خدمت ۲۰ ساله چهره خسته اما گرم کارش در حالی که میان رفت و آمد عابران خیابان را نظافت می‌کند، پیدا است. نباید سن و سال زیادی داشته باشد، خودش می‌گوید ۴۸ سال. حسن حاجی‌زاده هم میان همشهریان و دعوت‌شدگان به جشن ولادت است، اما در لباس پاکبانی، برای او همین نظافت هم حکم خدمت کردن به آقا را دارد: از ساعت ۱۴ آمده‌ام و تا ساعت ۲۴ خدمت خواهم کرد. فرقی ندارد به چه نیتی اینجا باشیم، مهم این است که به حرمت آقا خستگی از تن ما

